

«کارمان شده فقط به یک مشّت بنیاد و سازمان‌های الکی که به هیچ‌دردی نمی‌خورند پول بدهیم، به‌شان گفتیم آقایان این بساط باید جمع‌شود». این جمله صریح مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، در روز خبرنگار، مثل زنگ بیدارباشی بود که یکی از عمیق‌ترین زخم‌های اقتصاد ایران را دوباره یادآوری کرد: زخمی به نام بودجه‌خواران بی‌خروجی. اقتصاد ۲۴ نوشت: نهاد‌هایی که نه کارنامه‌ای روشن دارند، نه پاسخگوی افکار عمومی‌اند و نه دستاورد ملموسی برای زندگی مردم. شاید اکنون باید اذعان داشت که یکی از صریح‌ترین سخنان رئیس‌جمهور در نشست‌ی جندی پیش با اصحاب رسانه در روز خبرنگار داشت، انتقادی بود که به شیوه تخصیص بودجه وارد کرد و گفت: «تادلت بخواهد موسسات و بنیاد‌هایی داریم که هیچ بروندادی ندارند و پول به این‌های می‌دهیم، خب چرا باید به این‌ها پول بدهیم در حالی که معیشت مردم را نمی‌توانیم تأمین کنیم؟» حقیقت این است که جمله‌ای که رئیس‌جمهور به کار برد دیگر نه صرفاً گالیه، که هشدار به یک آفت ساختاری در نظام بودجه‌ریزی ایران است؛ آفتی که سال‌هاست منابع کشور را به سمت نهاد‌های ناکارآمد سوق داده و فرصت توسعه و بهبود زندگی مردم را از بین برده است. اکنون دیگر سال‌هاست که بخشی از بودجه کشور، به جای آن که موتور محرکی برای توسعه و رفاه عمومی باشد، به حیاط خلوت صدها بنیاد و سازمان تبدیل شده است؛ بنیاد‌هایی با نام‌های برطلمراق فرهنگی، اجتماعی یا مذهبی که از جیب مردم ارتزاق می‌کنند، اما سهمی در بهبود کیفیت زندگی آنان ندارند.

عمیق‌شدن زخم‌دقیقت

بحران کسری بودجه دیگر برای اقتصاد ایران یک استثنا نیست، یک قاعده تکرارشونده است. اخیراً مدتی زاده، وزیر اقتصاد اعلام کرده کسری بودجه سال جاری به حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده؛ یعنی درآمدهای دولت توان پوشش هزینه‌ها را ندارند و این شکاف با با چاپ پول و تورم می‌شود یا با بدهی‌های سنگین به نسل‌های بعد. چنان‌که علی‌قنبری، اقتصاددان، در تحلیل این وضعیت می‌گوید: «کسری بودجه فقط یک عدد خشک در جداول نیست؛ معنایش کاهش رفاه اجتماعی، سقوط ارزش پول ملی و انتقال بار مشکلات به آینده است.» حقیقت این است که کسری بودجه ۸ هزار میلیارد تومانی، به یکی از جدی‌ترین چالش‌های مالی کشور تبدیل شده است. این رقم به ظاهر عددی در جداول بودجه‌ای است، اما در عمل معنایی فراتر دارد؛ یعنی شکاف میان درآمدها و هزینه‌هایی که دولت برای آن تعهد داده است. این کسری در نهایت از جیب مردم پرداخت می‌شود، چه به شکل تورم و کاهش قدرت خرید و چه به صورت افزایش بدهی‌های دولت که بار آن بردوش نسل‌های بعد خواهد بود. چنان‌که قنبری نیز تصریح دارد که «وزیر اقتصادی که مسئولیت می‌پذیرد، نمی‌تواند صرفاً مشکلات را فهرست کند و از وضعیت دشوار سخن بگوید. مردم و فعالان اقتصادی انتظار دارند برنامه‌ای شفاف برای مدیریت چنین کسری بزرگی ارائه‌شود. راهکارها پیچیده یا دست‌نیافتنی نیستند، اما اجرای آنها نیازمند شجاعت و اراده سیاسی است. نخستین گام، کاهش هزینه‌های جاری دولت است. در حال حاضر بخش عمده بودجه عمومی به جای سرمایه‌گذاری و تولید، صرف پرداخت حقوق و هزینه‌های رزومه می‌شود. همین ساختار متورم اداری باعث شده حتی زمانی که درآمدها کاهش می‌یابد، تعهدات دولت ثابت بماند و شکاف کسری هر سال بیشتر شود.» مهدی یازوکی، اقتصاددان نیز در گفت‌وگویی تأکید کرده که «وقتی بخش بزرگی از بودجه عمومی صرف حقوق و هزینه‌های جاری می‌شود و نه سرمایه‌گذاری و تولید، نتیجه‌ای جز کسری و رکود ندارد.»

اواکش‌ها به سخنان رئیس‌جمهور

اطاظهارات پزشکیان بازتاب گسترده‌ای در میان تحلیل‌گران داشت. احمد زیدآبادی، فعال سیاسی، نوشت: «بزرگ‌ترین مانع اصلاح، مافیایی است که از همین بودجه‌تغذیه می‌کند. هر بار هم برای دفاع از آنها به مقدسات و ارزش‌ها متوسل می‌شوند.» کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز سخنان رئیس‌جمهور را نشانه‌ای از شجاعت‌اندستند. یکی نوشت: «شجاعت پزشکیان در حذف بودجه‌ای بنیادهاستوندی است؛ اما باید دید این حرف‌ها به عمل هم می‌رسد یا نه.» حسام‌الدین آشنا، مشاور حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، اماتوصیه‌ای وارونه کرد و ضمن اشاره به قدرت مؤسسات اصطلا‌حاً بودجه‌خوار، از پزشکیان خواست سمت آنها نرود. آشنادر شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «به رئیس‌جمهور محترم پیشنهاد می‌کنم مسیر حذف بودجه‌های بنیادها و موسسات و کارگاه‌ها و مجمع‌ها و... را دنبال‌کنند. لطفاً از تجربه هفتمین رئیس‌جمهور و مشاورش که از این حرف‌ها زند، عبرت بگیرد.»

بی‌خروجی، پرهزینه

اما پرسش کلیدی این است که این همه هزینه دقیقاً کجا می‌رود؟ پاسخ را باید در همان نهادها و بنیادهایی جست‌وجو کرد که پزشکیان به آنها اشاره کرد. ده‌ها و بلکه صدها نهاد و مؤسسه فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی سهم‌های ثابت و تضمینی از بودجه عمومی دارند. این نهادها معمولاً ویژگی‌های مشترکی دارند: بودجه تضمینی بدون ارزیابی سالانه، عدم شفافیت مالی و نبود گزارش، عملکرد عمومی، موازی‌کاری با سایر دستگاه‌ها؛ مصونیت از نظارت جدی دیوان محاسبات یا رسانه‌ها. مساله این است که در عمل، این نهادها میلیاردها تومان از منابع عمومی را می‌بلند، بدون آن که خروجی آنها در زندگی مردم ملموس باشد.

مصادیق نهادهای بودجه‌خوار

یک مرور بر لایحه بودجه ۱۴۰۴ نیز نشان می‌دهد که برخی نهادهای خاص همچنان سهم کلان دریافت می‌کنند: سازمان صداوسیما با بیش از ۲۵ هزار میلیارد تومان بودجه، در حالی که خود درآمد تبلیغاتی هنگفت دارد. شورای عالی حوزه‌های علمیه با بودجه‌ای بیش از ۷ هزار میلیارد تومان. آستان حضرت امام خمینی (ره) با بیش از ۲۱۰ میلیارد تومان. صدها نهاد با عناوین پژوهشی، فرهنگی یا اجتماعی سهم‌های ثابت و تضمینی از بودجه می‌گیرند. بسیاری از آنها خود درآمد دارند و می‌توانند مستقل اداره شوند، اما همچنان به منابع عمومی وابسته‌اند. این مدل از بودجه‌ریزی نیز اکنون در حالی رخ می‌دهد که هر ریل بودجه‌ای که به این نهاد‌ها داده می‌شود، در حقیقت خدمات عمومی را دست‌رفته است؛ یعنی بیمارستانی که می‌توانست ساخته شود، ساخته نمی‌شود و کلاس درسی که می‌توانست تجهیز شود، تجهیز نمی‌شود و شغلی که می‌توانست ایجاد شود، ایجاد نمی‌شود. به تعبیر اقتصاددانان، این همان هزینه فرصت است و در ایران، هزینه فرصت بودجه‌های بی‌ثمر چیزی جز معیشت مردم نیست.

حسن بهشتی‌پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ترامپ به دنبال جایزه نوبل است



پوتین بازی جدیدی را با ترامپ آغاز کرده است

ترامپ به دنبال فاصله گرفتن روسیه از چین است



آرمان ملی – احسان انصاری: ترامپ پس از دیدار با پوتین سران کشورهای اروپایی را در کاخ سفید جمع کرد و در جلسه‌ای که او پشت میز نشستند بود و سران کشورهای اروپایی در مقابل او قرار داشتند به دنبال راه حل برای جنگ اوکراین بود. اگر چه نوع برگزاری این جلسه با انتقادات زیادی مواجه شد اما حضور زلنسکی در این جلسه و احتمال دیدار وی با پوتین بارقه‌های امید را برای پایان جنگ اوکراین به وجود آورد. با این وجود پس از مدتی همه چیز مسکوت باقی ماند و در حالی که پوتین دست بالا را در این بازی به دست آورده نه خبری از جلسه زلنسکی و پوتین است و نه پایان جنگ در اوکراین. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد اتفاقات اخیر درباره جنگ اوکراین و چشم‌انداز پیش رو با حسن بهشتی‌پور تحلیلگر مسائل بین‌المللی گفت‌وگو کرده است. بهشتی‌پور در این زمینه معتقد

ترامپ که در آخرین دوره ریاست جمهوری

خود قرار دارد و حدود سه سال تا پایان

آن باقی مانده، به شدت مشتاق دریافت

جایزه صلح نوبل است و تلاش دارد خود

را به عنوان رئیس جمهوری متفاوت

معرفی کند

ترامپ که در آخرین دوره ریاست جمهوری

خود قرار دارد و حدود سه سال تا پایان

آن باقی مانده، به شدت مشتاق دریافت

جایزه صلح نوبل است و تلاش دارد خود

را به عنوان رئیس جمهوری متفاوت

معرفی کند

ترامپ که در آخرین دوره ریاست جمهوری

خود قرار دارد و حدود سه سال تا پایان

آن باقی مانده، به شدت مشتاق دریافت

جایزه صلح نوبل است و تلاش دارد خود

را به عنوان رئیس جمهوری متفاوت

معرفی کند

ترامپ که در آخرین دوره ریاست جمهوری

خود قرار دارد و حدود سه سال تا پایان

آن باقی مانده، به شدت مشتاق دریافت

جایزه صلح نوبل است و تلاش دارد خود

را به عنوان رئیس جمهوری متفاوت

معرفی کند

همکاری‌های استراتژیک در قالب سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری‌های شانگهای تمایلی به فاصله گرفتن از یک‌ن ندارد. پوتین احتمالاً از این موضوع به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی استفاده کرده اما معید است که به طور جدی از چین فاصله بگیرد. در شرایط کنونی ترامپ نتوانسته به اهداف خود از جمله جلب حمایت روسیه علیه چین یا کسب امتیاز برای جایزه صلح نوبل دست یابد. پوتین نیز موفق نشده تحریم‌ها را کاهش دهد. به نظر می‌رسد تا زمانی که دو کشور به دنبال دست‌موازن قدرت به نفع خود باشند پیشرفت ملموسی به دست نخواهد آمد.

چرا در حالی که ترامپ قول دیدار پوتین و زلنسکی داد

اما هنوز این دیدار محقق نشده است؟

طرفین اصلی این درگیری اوکراین و روسیه هستند و پوتین و زلنسکی به عنوان تصمیم‌گیرندگان نهایی در روند جنگ نقش کلیدی در هرگونه توافق آتش بس یا صلح دارند. طبیعتاً دستیابی به توافق نهایی بدون تفاهم این دو کشور امکان پذیر نیست. پیش‌تر نیز طرح‌هایی برای آتش بس ارائه شد که شامل شروطی بود که از نظر طرف مقابل غیرقابل قبول تلقی می‌شد. در اینجاست که ترامپ وارد میدان شده تا شاید بتواند روسیه را متقاعد کند بدون پیش شرط به یک آتش بس موقت تن دهد و سپس مراحل بعدی برای برقراری صلح پیگیری شود. نکته قابل توجه در رفتار ترامپ این است که برخلاف انتظار به جای فشار بر روسیه به عنوان کشور مهاجم بیشتر فشار خود را متوجه اوکراین کرده است که در این جنگ موقعیت ضعیف‌تری دارد. این مسئله غیرمعمول است و واکنش‌هایی نیز در سطح رسانه‌ها و تحلیل‌گران به همراه داشته است. با این وجود از منظر انسانی و سیاسی امیدوارم که آتش بس هرچه زودتر برقرار شود. ادامه جنگ نه تنها به زیان مردم اوکراین و روسیه است بلکه تبعات آن برای امنیت غذایی، انرژی و ثبات بین‌المللی نیز جدی است. ترامپ معتقد است با رفع تحریم‌ها و برقراری روابط تجاری با روسیه می‌توان مانع زندگی بیشتر این کشور به چین شد. او همچنین به دنبال تثبیت حضور اقتصادی آمریکا در اوکراین است. گفته می‌شود یکی از توافقاتی که در جریان مذاکرات انجام شده مربوط به معادن اوکراین است که آمریکا سهمی ۴۹ درصدی در استخراج آنها دریافت خواهد کرد. ترامپ این موضوع را به عنوان راهی برای جبران هزینه‌های مالی آمریکا در طول جنگ مطرح کرده است. نکته دیگر اینکه جنگ روسیه و اوکراین مساله‌ای است که تبعات آن حتی پس از پایان درگیری نظامی سال‌ها در قالب بحران‌های امنیتی و سیاسی ادامه خواهد داشت. اگرچه امکان یک صلح دائمی در کوتاه‌مدت بعید است اما بحث بر سر آتش بس موقت و برگزاری انتخابات در اوکراین مطرح است. در صورت فراهم شدن شرایط برگزاری انتخابات این مردم اوکراین خواهند بود که درباره آینده کشورشان تصمیم خواهند گرفت. نتیجه این انتخابات می‌تواند بر موضع دولت آینده درباره توافق با روسیه تأثیرگذار باشد.

عباس سلیمی نمین:

برخی نمایندگان درست در مسیر دشمن حرکت می‌کنند

دانسته‌اند. حتی اگر رهبری این ضرورت را بیان نمی‌کردند، عقل حکم می‌کرد همه در مقام تقویت دولت قرار بگیریم. چرا که آن چه که می‌تواند دشمن را موفق کند، مشکلات داخلی است. این فعال سیاسی اصولگرادر ادامه بیان کرد: دشمن تحریم‌های متعددی علیه ما وضع کرده، تا فعالان امور اجرایی کشور را ناتوان کند. اما همه اینها ایران روی پای خود ایستاده و دشمن باور نمی‌کند کشور چطور روی پای خود ایستاده است. بخش زیادی از این ایستادگی حاصل ایثار و فهم سیاسی بالای مردم است. مردم می‌فهمند که دشمن می‌خواهد جامعه ما را به هم بریزد و در نتیجه اسقامت و تاب‌آوری بالاتری می‌ورزد. دشمن به هم ریختگی جامعه را می‌خواهد. برخی از این آقایانی که متأسفانه به مجلس راه یافته‌اند، درست در مسیر چیزی که دشمن می‌خواهد حرکت می‌کنند. دشمن می‌خواهد، دولت مستقر تضعیف شود تا نتواند حل مشکلات جامعه را خوب پیگیری کند.



۱- در نود و یکمین سالروز تولد هاشمی، بنادارم از مجتهدی سیاسی بنویسم که نه تنها از نزدیکان اجتهاد بالا نرفت، بلکه به نوعی حتی «مقلد مردم» شد. شخصیتی در لباس روحانیت که طعم قدرت را هم در بالاترین مناصب حکومتی چشید، ولی در نهایت، قدرتی بالاتر از «قدرت ملت» ندید. چرایی این ادعا را اگر بخواهید، فقط کافی است به تعداد انتخابات‌هایی که هاشمی یا به میدان آنها گذاشت، نگاهی کوتاه کنید. انگار رای مردم برای هاشمی، حکم فتوای مجتهدا علم را داشت که تا در انتخاباتی حاضر نمی‌شد، تصدی هیچ منصبی بر او حلال نمی‌شد. هاشمی حتی اقامه نماز جمعه را هم بی رضایت مردم بر خود حرام کرد، چون از یاد نبرده بود که اگر این مردم نبودند، او هرگز امام جمعه نمی‌شد. ۲- البته هاشمی، مقلو مردم شد تا بتواند حافظ حق الناس شود. این همان شاه کلیدی بود که «قرآن» به دست هاشمی داده بود تا هم خطاهایش در پیش چشم مردم، پوشیده شود و هم خدماتش، ارج و قرب مضاعفی در پیشگاه ملت بیابد. البته این‌ها هرگز به معنای نفی مرجعیت دینی نزد هاشمی ولی خصوص هاشمی هرگز مانع انتقاداش به حوزه‌های علمیه نشد و به همین دلیل هم بارها درباره عواقب ناکارآمدی فقهی نسبت به تحولات روزافزون هشدار داد و راهکاران را هم تنها در فقه تخصصی دانست. ۳- اما هاشمی به عنوان کسی که می‌خواست «مقلد مردم» باشد، چگونه باید که کشف نظر مردم می‌رسید؟ و برای اینکار اول به تعریف دقیقی از «مردم» نیاز داشت و برای رسیدن به آن به مهم‌ترین مبنای تشکیل جمهوری اسلامی یعنی رای مردم، متمسک شد. هاشمی با چنین مبنایی بود، که خودش را بارها و بارها به رای مردم گذاشت، چون رای مردم برای مقلد مردم، حکم شرعی داشت. البته او فقط به انتخابات‌ها هم برای کشف نظر مردم بسنده نمی‌کرد و در تمام فواصل انتخاباتی، بر تعدادترین دیدارها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها،